

سه عباس میرزای نایب السلطنه

(تصاویر این مقاله در بخش عکسها - صفحات ۱۹۲ تا ۱۹۴ - چاپ شده است)

تقدیم به باستانی پاریزی

نخستین عباس میرزا نایب السلطنه، فرزند فتحعلی شاه قاجار، شخصیت تاریخی شناخته شده‌ای است اما وجود «عباس میرزا نایب السلطنه» دوم فرزند محمد شاه قاجار و برادر کوچک ناصرالدین شاه ناشناخته مانده و او را با «عباس میرزا نایب السلطنه» سوم (ملک آرا)، برادر کوچک‌تر دو شخصیت یاد شده یکی دانسته‌اند و از جمله اینست که تصاویر عباس میرزا نایب السلطنه دوم را از آن سومی (ملک آرا) شمرده‌اند.

در اثبات این امر نخست تناقض میان نوشته‌های موجود را نشان داده سپس به یاری حواشی که ناصرالدین شاه روی دو تصویر نوشته است شخصیت دو برادر کوچک‌تر او را از یکدیگر باز خواهیم شناخت.

۱- ناصرالدین شاه - فرزند محمد شاه و نوه عباس میرزا نایب السلطنه اول - در ششم صفر ۱۲۴۷ / ۱۷ ژوئیه ۱۸۳۱ از بطن ملک‌جان خانم (مهد علیا) تولد یافت.
 ۲- در پائیز سال ۱۸۳۸ و ژانویه ۱۸۳۹ / ۱۲۵۴ پرنس الکسیس سالتیکف (سولتیکف) در زمان محمد شاه قاجار به ایران آمد و از ناصرالدین میرزا ولی عهد و برادر کوچک‌ترش عباس میرزا نایب السلطنه تصاویری کشید (تصاویر ۱، ۲ و ۳). همو مینویسد: ناصرالدین میرزا سه سال از برادرش بزرگتر است و سن عباس میرزا را

۱- این نوشته دوم از سلسله مقالات مربوط به اسناد و مدارک درباره عکاسی در ایران می‌باشد. نخستین مقاله، که به یاری آقای یحیی ذکاء نوشته شد، شرح آغاز عکاسی (داگروتیپی) در ایران در زمان محمد شاه قاجار به توسط ملک قاسم میرزا قاجار و ریشاردخان فرانسوی را دربر دارد. ر. ک.: C. Adle, Y. Zoka, "Notes et documents sur la photographie Iranienne et son histoire. I, les premiers daguerrotypistes. C. 1844-1854 1260-1270", Studia Iranica, XII/2, 1983, pp. 249-280.

زیرنویس شماره ۱- این مقاله دارای یادداشتی است درباره کسانی که درباره عکاسی در ایران مطالعاتی منتشر نموده‌اند. به ویژه به سه نوشته زیر که چاپ شده یا خواهد شد و زیرنویس شماره ۱۵ همین مقاله توجه شود:

1-1, Afshar, "Some remarks on the early history of photography in Iran", Qajar Iran, Edinbrugh 1983, pp. 261-282 + 14 pl.

۲- ایرج افشار، ایران از نگاه عکس و عکاسان، نشر فرهنگ، تهران ۱۳۶۵، زیر چاپ.

۳- یحیی ذکاء، تاریخ عکاسی و عکاسان در ایران، بزودی در تهران منتشر خواهد گردید.

فراهم‌آوری این نوشته به یاری استاد احسان اشراقی انجام پذیرفته است.

۴- متن فرانسه:

Prince Alexis Soltykoff, Voyage en Perse, Paris 1851, p. 90.

- ترجمه فارسی: الکسیس سولتیکف، مسافرت به ایران، ترجمه محسن صبا، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، تهران ۱۳۳۶ - ۱۹۵۷، ص ۸۶

چهار یا پنج ساله ذکر نموده^۲ و در صفحه دیگری او را چهار ساله میدانند^۳. در تصاویر باسماهای که سالتیکف منتشر کرد^۴، ناصرالدین میرزا هفت ساله و عباس میرزا چهار ساله بنظر می‌آیند. بداین ترتیب میتوان عباس میرزا نایب‌السلطنه را متولد سال ۱۲۵۰/۱۸۳۴ دانست.

۳- در مقدمه شادروان عباس اقبال آشتیانی به شرح حال عباس میرزا ملك آرا^۵ آمده است که عباس میرزا نایب‌السلطنه، پسر دوم محمد شاه، در رجب ۱۲۵۵/۱۵ سپتامبر - ۱۹ اکتبر ۱۸۳۹ از بطن خدیجه خانم خواهر یحیی‌خان چهریقی زاده شده و قریب به هشت سال از ناصرالدینشاه کوچکتر بوده است. دیگر محققین نیز بر همین امر تاکید دارند. از جمله بامداد^۶ اضافه میکند که لقب ملك آرا در سال ۱۲۹۵/۱۸۷۸ بوی داده شد و در چهاردهم ذی‌قعدة ۱۳۱۴ / ۱۶ آوریل ۱۸۹۷ در سن ۵۹ سالگی فوت نمود^۷. آقای دکتر عبدالحسین نوائی به چاپ دوم شرح حال عباس میرزا ملك آرا، تصاویر سالتیکف را اضافه نموده است و آقای محسن صبا نیز بنوبه خود در ترجمه کتاب سالتیکف^۸ همین مطالب را آورده است.

تناقض بین آنچه در بندهای ۱، ۲ و ۳ آورده شده آشکار است:

عباس میرزا نایب‌السلطنه نمیتواند هم متولد ۱۲۵۰ / ۱۸۳۴ و هم ۱۲۵۵ / ۱۸۳۹ باشد و در نتیجه سن او با ولعهد یعنی برادرش نیز نمیتوانسته یکبار سه سال و بار دیگر هشت سال اختلاف داشته باشد.

در برخورد نخست، آنان که با متون دست نویس سروکار دارند و از آنجا که در رسم‌الخط فارسی اعداد صفر و پنج با هم اشتباه میشوند، ممکن است چنین پندارند که شاید در دست‌نویس مورد استفاده رقم ۱۲۵۰ را ۱۲۵۵ خوانده باشند. به این ترتیب هشت سال اختلاف سن بین دو برادر از میان میرود. این تعبیر قابل پذیرش نیست زیرا عباس

۲- سالتیکف، متن فرانسه ص ۸۸، ترجمه فارسی ص. ۸۵.

۳- سالتیکف، متن فرانسه ص. ۱۵۵، ترجمه فارسی ص. ۹۳.

۴- سالتیکف، تصاویر ۱۵، ۱۶ و ۱۷.

۵- عباس میرزا ملك آرا، شرح حال عباس میرزا ملك آرا با مقدمه‌ای از عباس اقبال آشتیانی به‌کوشش عبدالحسین نوائی، چاپ اول ۱۳۲۵، چاپ دوم با اضافات و حواشی که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است. تهران ۱۳۵۵. ص. ۱۷. ر.ک. به‌تعلیقات همین مقاله.

۶- مهدی بامداد، تاریخ رجال ایران. قرون ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰. تهران ۱۳۵۱-۱۳۴۷، ج ۲۵، ص. ۲۲۷-۲۲۳. ر. ک. به‌تعلیقات همین مقاله.

۷- بامداد، ج ۲۵، ص. ۲۲۷.

۸- سالتیکف، ترجمه، ص. ۱۲۳. ر. ک. به‌تعلیقات همین مقاله.

میرزا ملک‌آرا در شرح زندگی خویش آورده که به هنگام فوت پدرش محمد شاه (۱۲۶۴/۱۸۴۸)، نه سال تمام داشته است. از طرف دیگر ممکن است اشتباه را از سالتیکف دانست اما این فرض هم درست نیست زیرا بین حدود سه سال اختلاف سن ناصرالدین میرزا ولیعهد و عباس میرزا نایب‌السلطنه که سیاح مذکور در کتابش ذکر کرده و تصاویری که او از هر دو شاهزاده در آن کتاب ارائه داده هماهنگی کامل وجود دارد. در نتیجه نمیتوان مسئله را به یکی از دو ترتیب فوق حل شده پنداشت و قائل به وجود تنها یک عباس میرزا نایب‌السلطنه گردید.

منابع تاریخی دوران قاجار کمکی به کشف این راز نمی‌کنند چون در این منابع تنها از عباس میرزا ملک‌آرا سخن رفته است. اما اکنون از روی یادداشتهایی که از ناصرالدینشاه زیر دو عکس (فتوگرافی) از تصاویر باسماه‌ای سالتیکف بجای مانده (تصاویر ۲ و ۳) میتوان به حل این معما توفیق یافت. این دو عکس متعلق به آلبوم شماره ۳۵۷ (نمره ۲۳۷۸ سال ۱۳۳۵ قمری) است که در آلبوم خانه کاخ گلستان نگهداری میشود.^{۱۵}

این آلبوم بیاض، دارای جلدی مخملی است به رنگ سبز خزه‌ای روشن و دارای سی و هشت ورق به ابعاد ۲۳۵×۱۵۸ میلی‌متر که در آنها چهل و چهار قطعه عکس از شاهزادگان، رجال، علما... و همچنین مناظری از ساختمان گاخهای سلطنتی تهران و منازل رجال جای داده شده است. روی ورق اول آلبوم تاریخ اتمام و نام عکاس چنین آمده است:

«هو. بتاريخ شهر ربیع‌الاول در شب عید نوروز سنه ۱۲۹۶ [۲۵ مارس ۱۸۷۹] حسب الامر اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایونی روحنا فداء در عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون اتمام پذیرفت. غلام خانه‌زاد احمد.»^{۱۱}
در این آلبوم عکسهای شماره ۱ و ۲ موردنظر ما است:

۹- اقبال، شرح حال عباس میرزا، ص. ۴۴.

۱۵- بددی آتابای شرح کوتاهی از این آلبوم را در دو منبع زیر آورده است: دفتر تحویل و تحول آلبومهای کتابخانه سلطنتی، تهران اسفند ۱۳۵۲ خرداد ماه ۲۵۳۷ / جمادی‌الثانی ۱۳۹۸، ص. ۱۲۸.

۱۱- این عکاس «میرزا احمد عکاس» نیز رقم میزده است. از او دو آلبوم دیگر که بسیار شبیه همین آلبوم است در آلبومخانه گلستان دیده‌ام. یکی آلبوم شماره ۹۷ برابر نمره ۷۱۸ سال ۱۳۳۵ است که دارای ۳۵ قطعه عکس از وزراء، پیشخدمتها، نظامیان، معلمین دارالفنون و غیره بوده تهیه آن از تاریخ شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۳ الی آخر شهر محرم الحرام ۱۲۹۴ (۱۸ دسامبر ۱۸۷۶ تا ۱۴ فوریه ۱۸۷۷) به درازا انجامیده است. دیگری آلبوم شماره ۳۸۱ برابر با نمره ۴۷۰۲ سال ۱۳۳۵ می‌باشد که در سال ۱۲۹۶/۱۸۷۹ تهیه گردیده است. ورق ۱ و ۲ این آلبوم حاوی همان عکسهای تصاویر باسماه‌ای سالتیکف است که در ورق ۱ و ۲ آلبوم ۱۳۵۷ آورده شده و شرح آنها خواهد آمد ولی ناصرالدین شاه زیر عکسهای این آلبوم یادداشتی ننوشته است.

عکس ۱ (پشت ورق ۱ آلبوم که از راست به چپ ورق میخورد) به اندازۀ ۱۳۵×۸۷ میلیمتر برابر با تصویر شماره ۱۵ کتاب سالتیکف^{۱۲} است (تصویر ۲ این متن). این تصویر ناصرالدین میرزا ولیعهد را نشسته نشان میدهد و سالتیکف خود را در حالیکه در مقابل شاه آینده ایران نشسته و صورت او را میکشد تصویر نموده است. زیر عکس چنین نوشته شده: (۱) «عکس از روی نقاشی و شبیهی که شخص سیاح روسی در سی و هفت سال قبل به ایران آمده بود و تمثال (تمثال؟) ولیعهدی حضرت اقدس (۲) ظل‌اللهی را که در کتاب سیاحتش نقش کرده بود افتاده است (۳) احمد ۱۲۹۶».

زیر تصویر ناصرالدین میرزا که روی صندلی نشسته است آمده: «شبیه ولیعهدی حضرت ظل‌اللهی» و ناصرالدینشاه اضافه نموده «در سنین هفت سالگی است». زیر تصویر شخصی معمم که بین ولیعهد و سیاح نشسته آمده: «حاجی ملا باشی». ناصرالدین شاه اضافه نموده «حاجی ملا محمود است».

زیر تصویر نقاش آمده: «شخص سیاح روسی» و ناصرالدینشاه اضافه نموده «نقاش اسمش سالتکوف است».

در یادداشتی که ناصرالدینشاه در حاشیای عکس نوشته چنین آورده شده:

(۱) حالا که این خط را (۲) نوشتم شب (۳) ۱۸ شهر (۴) جمادی‌الاول (۵) ۱۳۵۷ اوائل (۶) جدی است [۱۵ ژانویه ۱۸۹۵] در بالاخانه اندرون طهران روی صندلی (۷) نشسته‌ام الحمدلله مزاجاً صحیح هستم (۸) لیکن شدت ذکام هستم (۹) تمام مردم ناخوش (۱۰) و ذکام هستند (۱۱) دندانم چند روز (۱۲) پیش درد میکرد حالا الحمدلله خوب شده است (۱۳) اما ۱۷ روزست که از بواسیر خون میریزد (۱۴) هنوز بند نیامده است (۱۵) برف زیادی دیروز (۱۶) آمده است تمام دنیا سفید است الحمدلله تعالی (۱۷) حالا ۵۸ پنجاه و هشت سال داریم و الحمدلله از (۱۸) آنوقت هفت ساله‌گی که این شکل ما را کشیده‌اند دو دندانم را کشیده‌ام از کرسی (۱۹) بالا و پائین سمت چپ و الحمدلله تعالی (۲۰) در نهایت قوت و صحت مزاج هستم خیلی شکر خدا را (۲۱) زیان میکنم و البته همیشه میکنم و خواهم کرد (۲۲). (از اینجا به بعد متأسفانه شرح در عکس نیفتاده است) در این هفته الحمدلله تعالی در همه ولایات (۲۳) ایران ارزانی و فراوانی (۲۴) و امنیت (۲۵) حاصل است (۲۶) انشاءالله تعالی همیشه (۲۷) بخواست خدا اینطور باشد (۲۸) حالا دو ماه است که از سفر ۳ سیم فرنگستان (۲۹) مراجعت کرده‌ام».

اهمیت این یادداشت کوتاه برای شناخت عمیق شخصیت ناصرالدینشاه از دیدۀ

۱۲- این تصویر بروی فیلم شماره ۱۵۶ مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمده ولی ظاهراً در فهرستها موجود نیست و شماره ندارد. همین عکس را که متأسفانه کمی تار و ناقص است بامداد در ج. ۱، ص ۴۸۵ و ایرج افشار در صفحه آخر روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، تهران ۱۳۴۵، چاپ کرده‌اند.

۱۳- بامداد ج. ۴، ص ۲۶۵ می‌نویسد شاه نمی‌خواست کسی از بواسیرش مطلع باشد.

صاحب‌نظران پنهان نیست.

عکس ۲ (روی ورق ۲، مقابل عکس ۱)، اندازه ۱۱۵×۸۵ میلیمتر برابر با تصویر شماره ۱۵ کتاب سالتیکف ۱۴. تصویر ۳ این متن.

این تصویر عباس میرزا نایب‌السلطنه را در میان رجال و در کنار حاج میرزا آغاسی نشان می‌دهد. در زیر عکس چنین آمده است: (۱) «این عکس هم از روی همان کتاب شخص سیاح روسی افتاده شده است (۲) احمد ۱۲۹۶».

زیر عکس از راست به‌چپ شرح زیر آورده شده: «خسروخان خواجه». «۲- شاهزاده صدرالدوله». «۳- حاجی میرزا آغاسی». «عباس میرزا است که مرد». درین جا توجه خواهد شد که کلمات «ست که مرد» به‌خط شخص ناصرالدین شاه است که به «عباس میرزا» اضافه نموده است. «۵- میرزا ابوالحسن ایلچی». «۶- شاهزاده کیقباد میرزا».

در گوشه پائین تصویر، ناصرالدین‌شاه به‌خط خود چنین نوشته است:

(۱) «این شکل عباس میرزائی‌ست که مرد (۲) برادر ملک‌آرای حالیه بود پسر خدیجه خانم (۳) معروف به‌دختر کرد چهریقی آذربایجان بوده‌اند».

از مقایسه این دو عکس و یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه در آنها چنین برمی‌آید که وقتی او هفت ساله بوده برادری بنام عباس میرزا داشته که بعدها فوت کرده است.

از مقایسه کلیه اسناد یاد شده باید اینطور نتیجه گرفت که: محمد شاه قاجار از خدیجه خانم ۱۵ در حدود نیمه دوم ۱۸۳۴ / ۱۲۵۰ دارای فرزندی شد که او را بیاد پدرش، عباس میرزا نام نهاد به‌نایب‌السلطنه ملقب ساخت و این کودک همان است که سالتیکف بنوشته خود در پایان سال ۱۸۳۸ و آغاز ۱۸۳۹ / ۱۲۵۴ در سن چهار سالگی او را دیده و تصویرش را کشیده است. سالتیکف در احوال عباس میرزا او را «صدمه پذیر و مریض‌حال» ۱۶ توصیف میکند بنابراین براساس یادداشت ناصرالدین شاه و با توجه به‌سال تولد عباس میرزا نایب‌السلطنه ملک‌آرا شکی باقی نمی‌ماند که اندک زمانی پس از دیدار سالتیکف، کودک نامبرده در همان اوائل سال ۱۸۳۹ حدود شوال ۱۲۵۴ فوت کرده و چند ماه بعد در رجب ۱۲۵۵ / ۱۵ سپتامبر - ۱۹ اکتبر ۱۸۳۹ پسر دیگری از خدیجه خانم متولد شده که محمد شاه او را نیز بیاد فرزند از دست رفته و پدرش مجدداً عباس میرزا نام نهاد و ملقب به‌نایب‌السلطنه نموده است. محمد شاه در ابراز محبت نسبت

۱۴- فیلم ۱۵۶ مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در جعبه ۱۵۵ جای داده شده است. شماره ۱۳-۵۱۵۵ (۱۵۶/۱۵۵).

۱۵- خدیجه خانم خواهر بیحیی‌خان چهریقی از روسای کرد شکاک بود. ابتدا رقیه خانم خواهر دیگرش زوجه محمد میرزا بود ولی فرزندی نیاورد و در جوانی مرد. پس ازو عباس میرزا بن‌فتح‌علی شاه خدیجه خواهر دیگر را به‌عقد محمد میرزا فرزندش درآورد (بامداد، ج. ۶، ص ۲۹۴).

۱۶- سالتیکف، ص ۸۸، ترجمه. ص ۸۵، آقای صبا از کلمات دیگری در ترجمه استفاده کرده‌اند.

به این کودک چنان زیاده روی کرده که ناصرالدین میرزا و بخصوص مادرش ملك جان خانم (مهدعلیا) نسبت به او رشك می برده و همواره از جانب او احساس خطر کرده اند و عباس میرزا هم که نظر به رفتار پدر و برخی از درباریان بیش و کم داعیه سلطنت داشت، پیوسته در حال ترس بسر میبرد و آواره بود و لقب نایب السلطنه را نیز در سال ۱۲۹۵ / ۱۸۷۸ بطور رسمی از دست داد. شاید شاهزاده کامران میرزا یکی از فرزندان ناصرالدین شاه که او نیز لقب نایب السلطنه داشت در این امر دست داشته است. از این سال ناصرالدین شاه عباس میرزا را به ملك آرا ملقب نمود. ملك آرا به قول بامداد در ۱۴ ذی قعدة ۱۳۱۴ / ۱۶ آوریل ۱۸۹۷ در سن ۵۹ سالگی ۱۷ و بقول عباس اقبال در سال ۱۳۱۶ / ۹۹ - ۱۸۹۸ فوت نمود^{۱۸}. درباره اهمیت کتاب شرح حال عباس میرزا ملك آرا و در توصیف «خرابیهای وضع حکومت آن ایام [دوره ناصری] و مفاسد طرز اداره دربار و حکومتهای ولایات و رشوه خواری کلیه رجال و عمال دولت و ...» مرحوم عباس اقبال شرح لازم را در مقدمه داده اند و لزومی به تکرار آن نیست. البته توجه خواهد شد که شاید عباس میرزا ملك آرا نظر به موقعیتش نمی توانسته پیوسته در کلیه امور نسبت به برادر بیطرفانه قضاوت کند و معلوم نیست که با توجه به طرز فکر و سطح معلومات اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان آن زمان و تا اندازه ای اوضاع سیاسی جهان، اگر خود او به سلطنت رسیده بود وضع کشور می توانست کمتر اسفانگیز باشد.

یادداشتها

- ۱- گویا مرحوم عباس اقبال از متن سالتیکف اطلاع نداشته و بنابراین مسئله يك یا دو بودن عباس میرزا برای ایشان در هنگام چاپ کتاب شرح حال عباس میرزا ملك آرا مطرح نشده است.
 - ۲- اسناد محترم آقای عبدالحسین نوائی با متن و نقاشیهای سالتیکف آشنا بوده و این مدارك را با اسناد دیگری جداگانه به مقدمه مرحوم اقبال اضافه کرده در چاپ دوم کتاب شرح حال عباس میرزا ملك آرا نقل نموده است. شاید همین انفصال و نوشته های آقای دكتر محسن صبا، که مورد استفاده آقای نوائی قرار گرفته است، باعث دور ماندن مسئله از نظر آقای نوائی شده است.
 - ۳- آقای دكتر محسن صبا، مترجم سفرنامه سالتیکف، بیشتر به برگردان متن توجه داشته اند تا به تطبیق تواریخ و نکاتی از قبیل آنچه که درین نوشته مورد بحث قرار گرفته است. به همین دلیل در شرح کوتاه زندگی عباس میرزا ملك آرا (سولتیکف، تعلیقات مسافرت به ایران، ص ۱۲۳۵) هر چند که از شرح زندگی عباس میرزا ملك آرا استفاده نموده اند ولی به تناقض بین تواریخی که ذکر می فرمایند توجه نموده به يك عباس میرزا بسنده کرده اند.
- از طرف دیگر در ترجمه ایشان از جمله لازمست در ص ۱۱۵ سال ۱۸۲۸ را به

۱۷- بامداد، ج. ۳، ص. ۲۲۷.

۱۸- عباس میرزا، شرح حال عباس میرزا ملك آرا، ص. ۴۱.

اواخر سال ۱۸۳۸ و اوائل سال ۱۸۳۹ و در ص. ۱۲۵ سالهای ۱۲۵۵ - ۱۲۵۳ را به ۱۲۵۵-۱۲۵۴ و سالهای ۱۲۱۷-۱۲۱۶ را به سال ۱۲۱۷ تغییر داد. دیگر اینکه «اوروخ» آنسوی قفقاز ارتباطی با تمدن باستانی اوروک/وارکا واقع در عراق کنونی ندارد (ص. ۱۶۵) و بالاخره رودخانه تمز انگلستان را به فرانسه نامیز و نه تایمیز (ص. ۱۲۶) گویند...

۴- مرحوم بامداد هم از متن سالتیکف و هم از متن عباس میرزا نایب‌السلطنه سوم ملک‌آرا مطلع بوده و تصویری که سالتیکف از عباس میرزای دوم نایب‌السلطنه در کتابش (ج. ۳، ص. ۲۲۴) آورده چاپ نموده است ولی توجه ایشان هم به جدا بودن عباس میرزای دوم از عباس میرزای سوم معطوف نگردیده است.

۵- تا آنجاکه نویسنده اطلاع دارد تصویری از طفولیت عباس میرزا نایب‌السلطنه سوم ملک‌آرا موجود نیست ولی در انتهای شمالی و روی بر شرقی راهروئی که حیاط تخت مرمر کاخ گلستان را به محل نابجای وزارت دارائی متصل می‌نماید و میان ایوان تخت مرمر و طالار نقاشخانه قرار گرفته است تصویری از دوران کهولت عباس میرزا ملک‌آرا وجود دارد. متأسفانه در سال ۱۳۵۷ چشمهای این نقاشی دیواری را بدرآوردند و به‌صورتش میخ کشیدند. امید است که با الحاق مجموعه گلستان به سازمان میراث فرهنگی کشور این آثار تاریخی و هنری مرمت گردد.

چای لاهیجان و منطق دکتر مصدق

غلامحسین مصدق گفت مهدی ارباب و کیل مجلس و بازرگان که از وارد کنندگان چای بود از اینکه دولت نمی‌گذاشت چای خارجی وارد بشود ناراحت بود و با همه تقلائی که کرده بود وزیر اقتصاد وقت اجازه نداده بود که چای خارجی وارد کنند. روزی بن مراجعہ کرد و گفت وقتی از آقا بگیرید که شرفیاب شوم و توضیحاتی بدهم. مطلب را که به پدرم گفتم پرسید چه کار دارد؟ گفتم مثل اینکه می‌خواهد درباره واردات چای صحبت کند. پدرم پذیرفت و روزی که معین شده بود چند نفر از تجار سرشناس چای همراه ارباب به منزل آمدند. پدرم قبلاً به چایخانه خود سپرده بود که چای اغالی لاهیجان که همه ساله از علی امینی لنگرودی می‌خریدیم در نهایت خوبی دم‌کنند و تجار مذکور پیش از اینکه آنها را ببینند با آن چای پذیرائی شوند. همین کار شده بود و پس از آن تجار به اطاق پدرم رفتند. پرسید چه گرفتاری دارید؟ گفتند دولت اجازه ورود چای نمیدهد و مردم علاقه دارند که چای خوب بنوشند. مصدق گفت آیا چای خدمتتان آوردند؟ گفتند بلی. گفت چایش چطور بود؟ همه تعریف کردند. گفت به مردم هم از همین چای بدهید که چای لاهیجان است.